

انصاف‌آستان

علیرضا هاشمی شاد

www.ketab.ir



۱۳۹۷

سرشناسه : عنوان و نام پدیدآور :
 از صفا تا شأن : مجموعه مقالات خوشنویسی / مولف علیرضا هاشمی نژاد.
 مشخصات نشر : مشخصات ظاهری :
 شابک : شابک :
 وضعیت فهرست نویسی :
 یادداشت :
 عنوان دیگر :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 خط نستعلیق
 Writing Nastaliq
 رده بندی کتب :
 رده بندی :
 شماره ثبت ملی :

هاشمی نژاد، علیرضا، ۱۳۴۴-
 کرمان : نشر مانوش، ۱۳۹۷.
 ۳۵۶ ص.: مصور.
 ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۰-۲۶-۲
 فیبا
 کتابنامه.
 مجموعه مقالات خوشنویسی.
 خوشنویسی -- ایران -- تاریخ
 Calligraphy -- Iran -- History
 خوشنویسی اسلامی -- ایران -- تاریخ
 Islamic calligraphy -- Iran -- History
 ۱۳۹۷ ۲۵۲ف / NK۳۳۹۹
 ۷۴۵/۶۱ فا
 ۵۳۹۲۱۳۲



از صفا تا شأن

مجموعه مقالات خوشنویسی
علیرضا هاشمی نژاد

صفحه آرای: آرین طوفان
 تذهیب پشت جلد: اکرم خالقی
 چاپ نخست: پاییز ۹۷
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 بها: ۳۹۰۰۰ تومان
 لیتوگرافی و چاپ: فرهنگ

شناسه کتاب مانوش: ES-MP-001/01
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۰-۲۶-۲

همه ی حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ و در اختیار نشر مانوش است.
 مرکز پخش اول: تهران، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، ساختمان ناشران فخر رازی، کتاب آبان
 تلفن: ۰۲۱-۶۶۰۷۱۴۹۳-۹۵
www.abanbook.net

مرکز پخش دوم: تهران، خ ایران شهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۲، چاپ و نشر نظر
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۴۴۵۲۵
www.nazarpub.com

دفتر نشر و فروشگاه مرکزی: کرمان، بلوار جمهوری، مجتمع برج اول، طبقه دوم، واحد ۴۱
 تلفن: ۰۳۴-۳۲۶۵۸۲۴۴

فروشگاه شماره ۲: کرمان، خیابان هزارویکشب، کوچه شماره سه، خانه ی هنر
 فروش اینترنتی: www.manooshpub.com

Instagram: @pub.manoosh

Telegram: @manooshpub

فهرست

پیش‌گفتار / ۹

بخش اول: مبانی نظری

- درآمدی بر مبانی زیبایی‌شناسی خوشنویسی / ۱۷
- مبانی عرفانی «صفا» و «شان» در رسالهی آداب‌المشق / ۲۹
- تأثیر عرفان و تصوف در تحولات خوشنویسی ایرانی در قرن‌های هفت تا نه قمری / ۳۹
- ضرورت درک مرتبه‌ی زیبایی در هنر اسلامی / ۴۹
- دیدگاه مولانا در باره‌ی هنر / ۵۹
- خطاطی و عرفان / ۶۷

بخش دوم: تاریخ خوشنویسی

- قرآن‌نویسی در قرن‌های هفتم و هشتم هجری قمری / ۷۷
- نگاهی دیگر به تاریخ و علل پیدایش و تحول خط شکسته / ۹۷
- معرفی یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌ها به خط نستعلیق / ۱۱۱
- میرزا کاظم‌خان رونق‌علی خوشنویس اواخر دوره‌ی قاجار / ۱۲۷
- یاقوت مستعصمی و سبک‌شناسی قلم‌نسخ و معرفی سه نسخه‌ی جعلی منسوب به یاقوت / ۱۴۱
- جایگاه احمد نجفی زنجان‌ی در خوشنویسی معاصر / ۱۶۱
- قلم‌رقعه / ۱۶۷
- نگاهی نو به زندگی و آثار میرزا محمدحسین خان سیفی قزوینی (عماد‌الکتاب) / ۱۶۹

بخش سوم: نسخه شناسی

زبده‌ی قراختایی / ۱۸۹

معرفی قرآن شماره‌ی ۱۸ از گنجینه‌ی موزه و کتابخانه‌ی ملک تهران / ۲۱۳

گزارش نسخه‌شناسی کلیات اشعار مولانا الاعظم خواجوی کرمانی، نسخه‌ی موزه‌ی ملک، کتابت سال ۷۵۰هـ.ق / ۲۱۷

معرفی مشهورترین نسخه از اشعار خواجوی کرمانی نسخه کتابخانه‌ی بریتانیا، کتابت ۷۹۸هـ.ق / ۲۲۷

در باره‌ی خط نسخه‌ی الانبیه عن حقایق الادویه / ۲۶۱

طوفان البكاء به همراه ملحقات (چاپ سنگی) / ۲۷۹

مشق خوش خیامی / ۲۸۷

بخش چهارم: نقد کتاب

نقد علمی / قطعه / ۲۹۹

کتاب‌شناسی خوشنویسی / ۳۰۷

در باره‌ی کتاب احوال و آثار درویش عبدالمجید طالقانی / ۳۱۳

افسانه‌ای دیگر در باره‌ی سرعه‌اد خوشنویس / ۳۱۹

آسیب‌شناسی نقد در خوشنویسی / ۳۲۰

در باره‌ی وجه تسمیه و علل انتشار حصص تعلیق / ۳۳۳

منابع / ۳۳۷

نمایه / ۳۴۷

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

در دنیای جدید دیگر نه توان خوشنویسی را بر جایگاه آرمانی آن در دوره‌های تیموری و صفوی شناساند. خوشنویسی بخش از زمینه‌ای حضور خود را در جامعه پویای هنری از دست داده است. ماهیت جامعه دستخوش تغییر شده است، تعریف خوشنویس و ضرورت خوشنویسی، در نسبت با دوره شکوه و جلال روزگار حاکمیت سنت و نیات هنر هویت بخش، نیز اجتناب ناپذیر بود؛ زیرا مرجع رجوع هنر تغییر کرد. هنر که با ضرورت‌ها، کاربرد تعریف می‌شد، و محمل اندیشه و نگرش نبود، با اندیشه و نگرش معنی پیدا کرد و خوشنویسی ظرف چنان معنایی نبود و البته همه سنت‌های رایج هنری عصر پیشین چنین دگردیسی را تجربه کرده بودند، در فرم و سبک، نگارگری ایرانی در اواخر قرن یازدهم هجری چنین تحولی را تجربه کرده بود و دیگر هرگز احیا نشد، زیرا زمینه‌ساز با سنت خود را از دست داد. خوشنویسی تا اوایل سده چهاردهم هجری ضرورت، قدر و منزلت خود را در نسبت با بستر فرهنگی و معنی قابل درک هنر حفظ می‌کند، اما از آن پس دوران افسوس است و آنچه می‌ماند صورتی است، و تکرار صورت فاقد معنی است که ماهیت خوشنویسی را تغییر می‌دهد. رشد و حیات همراه با تحول در هنری در دورانی تجربه می‌شود که هنر معنی خود را از جان جامعه بگیرد و خوشنویسی در اواخر آنجا دچار این گسست می‌شود، و حیانتش متکی به خاطره است و در طبقه‌بندی هنرها به درستی در هنرهای سنتی جای می‌گیرد، هنرهایی که در تحلیلی فلسفی فنون و صناعی بودند که اگر مبانی زیبایی‌شناسی آن‌ها که ما به آن‌ها را معنی می‌بخشد در جامعه ساری و جاری نباشد محکوم به افول‌اند.

امروزه این‌گونه هنرها مانند جویباری به دور از هیاوی متن جامعه حیات دارند. این جویبار لطفی دارد اما مرکز توجه نیست، شدت و ضعفش کسی را نگران نمی‌کند. خاطره‌ای است قومی که بی تردید نگران از دست دادنش هستیم؛ بنابراین با اندیشه احیا حیات دارند. این اندیشه تا جایی قوت می‌گیرد که پیروان هنر قابل فهم دوران، خوشنویسی را در قالب سنتی فاقد وجهت دانسته و احیای آن را در معنی جدید هنر، در تلفیق با رنگ و فرم، جدای از متن جستجو می‌کنند؛ که بی تردید در امتداد حیات خطی این هنر ارجمتمند

پیشین نیست. اما عکس‌العملی است معنی‌دار و گواهی است بر حقیقت تلخ پایان تاریخ خوشنویسی، این دوران خوشنویسان ویژه خود را تربیت می‌کند. توصیف این خوشنویسان بی‌تردید در جامعه خوشنویسی با سوء تفاهم همراه خواهد بود، اما ضرورت دارد، از آن جهت که فرصت شناخت و نقد واقعی مدتی است از هنر خوشنویسی سلب شده است، و اساساً در مواجهه با پدیده‌ای که در قوت نیست و نگران جان کم‌رملش هستیم، حیانتش هدف می‌شود و نه چگونگی آن، وضعیتی که خوشنویسی سده اخیر داشت. این شرایط، جامعه و خوشنویسان را از شناخت واقعی خوشنویسی دور کرد، از جمله مهم‌ترین دلایل نقد‌گریزی جامعه خوشنویسی در کنار دلایلی که ریشه در ماهیت فرمی خوشنویسی دارند و در فرصت مناسب باید به آن پرداخت. نیز همین شرایط است.

در هر صورت برای برون‌رفت از این شرایط، شناخت خوشنویسی در قالب پژوهش‌های روشمند و هدفمند در همه این‌ها ضروری است. بی‌تردید در پی این شناخت است که نقد راهبردی در فضای خوشنویسی شکل می‌گیرد و تصور درست‌تری در اذهان ایجاد می‌شود.

و خوشبختانه در این سرنوشت محتوم، که به نظر از آن گریز و گزیری نیست، خوشنویسی ایرانی از جمله هنرهایی است که دلایل مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه جدی برخی از پژوهشگران حوزه هنرهای سنتی ایران قرار گرفته است. هر چند این پژوهش‌ها در خور جایگاه خوشنویسی در هنر ایران نیست؛ زیرا می‌دانیم خوشنویسی از جمله موضوعاتی است که تا زمان قاجار بیشترین رسالت تعلیمی و تذکره در باره آن نوشته شده است و از این نظر با هیچ هنری در تاریخ هنر ایران قابل مقایسه نیست.

اما از آنجا که این هنر گرانقدر، پس از ایجاد کز آموزشی هنر، هرگز در سیستم دانشگاهی به عنوان موضوع مستقل وارد نگردید و آموزش و ترویج آن از طریق انجمن خوشنویسان هدایت شد، و تحت تأثیر شدید سلطه آموزش سنتی و عملگرا، سنت رویکرد تا حدی مبتنی بر پژوهش‌های آکادمیک در آن ایجاد نشد، و چون در سیستم دانشگاهی هم حضور مستقل نداشت مو - توجه پژوهشگران دانشگاهی نیز قرار نگرفت. البته آثار مهمی پیرامون تاریخ خوشنویسی تا پیش از دهه ۷۰ شمسی در ایران تألیف گردید، که به نظر می‌رسد در تداوم سنت تذکره‌نویسی است، اما متأثر از آموزش مدرن، آثار مهم این «احوال و آثار خوشنویسان» و «اطلس خط» و... که پیش از این در باره آن‌ها سخن رفته است. اما در راه تحلیل زیبایی شناختی، سبک‌شناسی، تبیین مبانی نظری و شیوه‌های نقد خوشنویسی تا پیش از دهه ۷۰ شمسی تألیفات مستقل و ارزشمندی انجام نپذیرفته است. و اساساً این‌گونه مفاهیم موضوع پژوهش نبوده‌اند.

بعد از انقلاب ۱۳۵۷، به دلیل تغییر رویکرد در هنر ایرانی و ایجاد برخی از رشته‌های هنری مانند صنایع دستی و هنر اسلامی و... توجه به هنرهای ایرانی و اسلامی و همچنین رونق خوشنویسی، پژوهش در ابعاد گوناگون خوشنویسی به وسیله پژوهشگران مستقل و دانشگاهی نیز رونق گرفت، هر چند هنوز هم غلبه با سنت تاریخ‌نگاری و تذکره‌نویسی است. و از این رو کمبود پژوهش و ارائه نظر و تبیین ساختار تئوریک خوشنویسی همچنان آشکار و به شدت معطوف به پژوهش‌های غربیان است.

در این مورد بجز برخی دیدگاه‌های اهل فلسفه و سنت‌گرایان که بیشتر در نسبت با تعریف هنر اسلامی سعی در تحلیل ماهیت خوشنویسی داشتند، و البته برخی صاحب‌نظران غربی هنر ایرانی و اسلامی، در ارتباط با سبک‌شناسی و تحلیل زیبایی‌شناختی و حتی علت‌های وجودی انواع خطوط در تاریخ خوشنویسی، که به

نوعی مباحث تاریخی قلمداد می‌شود، نیز تلاشهای جدی را شاهد نبودیم. از این رو در جامعه خوشنویسی، دانسته‌ها در باره تاریخ خوشنویسی و سیر تحول خطوط از نوع باورند و نه دستاورد پژوهشی سنجش‌مند. بنابراین ضرورت بازنگری این باورها امری اجتناب ناپذیر است.

در همین راستا پژوهشهای خود را مبتنی بر روش‌های علمی از مبانی نظری آغاز کردم و بعد به حوزه‌های تاریخ و سبک‌شناسی و نسخه‌شناسی گسترش دادم. در این پژوهشها سعی بر شناخت فارغ از پیش داوری است، بنابراین خود را متعلق نوعی شناخت مبتنی بر رویکردی ویژه نمی‌دانم، و سعی بر این بوده است در تحلیل پرهیز کنم از تحمیل درک امروزی بر مقتضیات زمانی پیش‌تر و یا تحلیل بر مبانی اثبات حقایق رویکرد، زیرا معتقدم هر دو روش آسیبهای جدی بر شناخت وارد می‌کند. البته از سویی سعی کردم از طرح نظر جدید هراس نداشته باشم زیرا معتقدم ایجاد گفتمان بر مبانی دستاوردهای پژوهشی یکی از ضرورت‌های تولد در هر حوزه‌اندیشگانی است. بنابراین مجموعه حاضر که در واقع مجموعه‌ای از مقالات نگارنده است، تشکیل شده از ۲۵ مقاله در حوزه‌های تاریخ خوشنویسی، مبانی نظری خوشنویسی، نقد آثار و نسخه‌شناسی، که در طول ۲۰ سال گذشته در نشریات معتبر دانشگاهی، کنفرانس‌ها یا در قالب سخنرانی در مجامع هنری ارائه شده است.

موضوع برخی از مقالات در این مجموعه برای نخستین بار در حوزه مطالعات مربوط به خوشنویسی مطرح شده‌اند؛ از جمله زبان‌شناسی خوشنویسی و مطالعات مربوط به رابطه عرفان و خوشنویسی و سبک‌شناسی. همچنین در خصوص مطالعات مربوط به تاریخ خوشنویسی مقالات ارائه شده حاوی نکات تازه و متفاوتی هستند، که باید از طرف صاحب‌نظران مورد نقد و سنجش قرار گیرند.

چند مقاله از مقالات مجموعه مربوط به نسخه‌شناسی است که با رویکردی متفاوت نگاشته شده‌اند. رویکردی که جایگاه نسخه را از منظر تأثیرگذاری انواع سبک‌های هنری که در تاریخ کتاب‌آرایی مؤثر بوده‌اند می‌شناساند. و مقالات مربوط به مبانی نظری خوشنویسی با انگیزه شناخت و تبیین این موضوع در خوشنویسی نگاشته شده‌اند، زیرا معمولاً هر آنچه مربوط به تاریخ، تحلیل فرم و حتی سبک‌شناسی است به عنوان مبانی نظری خوشنویسی معرفی می‌شود که شایسته نیست.

دو نکته در مورد مقالات این اثر ضروری است، اول اینکه این مقالات از میان ۵۰ مقاله انتخاب شده‌اند و دو مقاله ضرورت درک مرثیه زیبایی و هنر در مثنوی به دلیل نقش که در تاریخ مبانی نظری خوشنویسی دارند در این مجموعه قرار گرفته‌اند. و نکته دیگر برخی مقالات در ساختار دانشگاهی منتشر شده‌اند بنابراین با چکیده تقدیم می‌شوند.

در تولید و انتشار این اثر باید از جناب انوشه مدیر محترم نشر مانوش تشکر کنم و همچنین از خانم طیبه معتمدی (همسر) که در نمونه خوانی و خانم الهه بهزادی که در تهیه متن تایپی اثر و غلط‌گیری آن یاری فراوان به من رساندند. و از آقای آرین طوفان که زحمت صفحه‌آرایی کتاب را بر عهده داشته‌اند. برای همه این عزیزان آرزوی موفقیت دارم.

علیرضا هاشمی‌نژاد

کرمان

تابستان ۱۳۹۷